



روند تغییرات فرهنگ و شیوه زندگی زن و خانواده ایرانی در خانه‌های سنتی و مدرن (مورد مطالعه: شهر اردبیل)

سعیده داداشی^۱ ID، سیمون آیوازیان^۲ ID*، زهره ترابی^۳ ID

^۱ دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، Saeedadashi@yahoo.com
^۲ (نویسنده مسئول)* استاد، گروه معماری، دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران، simon1944a@gmail.com
^۳ دانشیار، گروه معماری، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران، zohrehtoraby@yahoo.com

چکیده

شیوه زندگی مجموعه‌ای جامع از عملکردهای روزمره است و برآورنده نیازهای مادی و معنوی انسان می‌باشد. تبدیل خانه‌های گذشته و سنتی به آپارتمان‌های امروزی، علاوه بر تغییرات کالبدی، عملکردی و فضایی معماری مسکن و محیط‌های مسکونی باعث تغییر در شیوه زندگی خانواده ایرانی شده است. از دیگر مسائلی که در روند تغییرات خانه‌های سنتی به امروزی تغییر کرده است مسئله جنسیت و روند تغییرات آن از گذشته تاکنون است. بازنمایی و خوانش جنبه‌های عینی و تاریخی جنسیت با تمرکز بر زنانگی در بستری که همواره با تحلیل و تفاسیری از مفاهیم قدسی همراه بوده است، در کشف زوایای پنهان با نگاهی متفاوت به معماری ایرانی-اسلامی یاری‌رسان است و می‌تواند در گسترش دایرهٔ زیبایی و ادبیات معماری ایرانی نیز ایفای نقش کند. در این پژوهش از روش ترکیبی در نمونه موردی استفاده شده و روش‌های توصیفی و کیفی، تحلیلی و روش میدانی به بررسی خانه‌های سنتی و مدرن در محدوده شهر اردبیل پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که فضاهایی مانند دهلیز و صاندیخانا به کلی از فرهنگ فضایی امروزه مردم اردبیل حذف شده است. با انتقال فعالیت‌های اجتماعی از داخل خانه به فضای خارج از آن، خانه مکانی برای انجام فعالیت‌های شخصی مبدل شده است. این امر سبب گرایش به اتاق‌های شخصی برای افراد خانواده و تبدیل اتاق‌های چندعملکردی به فضای تک‌عملکردی شده است. این مهم، انسان امروز را هرچه بیشتر از فعالیت‌های اجتماعی در محدوده خانه دور می‌کند و او را در خانه به حال خود وامی‌گذارد.

اهداف پژوهش:

۱. آشنایی با روند تغییرات فرهنگ و شیوه زندگی زن و خانواده ایرانی در خانه‌های سنتی دوره قاجاریه، خانه سنتی دوره پهلوی و خانه‌های مدرن.
۲. بررسی تحولات خانه‌های سنتی و مدرن در شهر اردبیل.

سؤالات پژوهش:

۱. روند تغییرات فرهنگی در خانه‌های سنتی قاجار و پهلوی و خانه‌های معاصر چگونه است؟
۲. خانه‌های سنتی و مدرن شهر اردبیل از دوره قاجار تا معاصر چه تحولاتی را پشت سر گذاشته‌اند؟

اطلاعات مقاله

مقاله علمی پژوهشی

شماره ۴۸

دوره ۱۹

صفحه ۳۳۰ الی ۳۵۳

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۰۲

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۴/۳۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

فرهنگ، شیوه زندگی، خانه سنتی، خانه مدرن.

ارجاع به این مقاله

داداشی، سعیده، آیوازیان، سیمون، ترابی، زهره. (۱۴۰۱). روند تغییرات فرهنگ و شیوه زندگی زن و خانواده ایرانی در خانه‌های سنتی و مدرن (مورد مطالعه: شهر اردبیل). مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۸)، ۳۳۰-۳۵۳



[dor.net/dor/20.1001.1
11230708.1401.19.48.25.5](https://doi.org/10.22034/IAS.11230708.1401.19.48.25.5)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2022.352167.2022](https://doi.org/10.22034/IAS.11230708.1401.19.48.25.5)

مقدمه

مدرنیته عاملی بسیار مهم بر دگرگونی زندگی اجتماعی بیشتر از جمله هویت زن و خانواده ایرانی بوده است. در ایران، فارغ از رخ دادن یا ندادن مدرنیته، می‌توان اذعان داشت رویدادهای اجتماعی-فرهنگی از نیمه‌های دوره قاجار و با شدت در دوره پهلوی به بازتعریف نقش زنان و خانواده ایرانی در جامعه منجر شده است (خان‌بازاده و همکاران، ۱۳۹۹). یکی از مهم‌ترین مواردی که در دوره تاریخی قاجاریه تا امروزی به صورت کامل تغییر هویت داده است مربوط به خانه‌های مسکونی بوده است که باعث تغییر در شیوه زندگی شده است. خانه، مبدأ و مقصد زندگی روزمره انسان است. انسان‌های برای کار و فعالیت اجتماعی از آن خارج می‌شوند و پس از انجام کار و کسب تجربه به خانه بازمی‌گردند. خانه برای انسان از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان آن را مرکز دنیای فرد نامید (عبداللّه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۰). بنابراین خانه باید بتواند در فضای درونی و جلوه بیرونی خود توقع «مرکز دنیای فردی بودن» را برآورده سازد. توجه به معماری بومی در اواسط قرن بیستم در پی بروز مشکلات و کمبودهای حاصل از تغییراتی که مدرنیته و جامع صنعتی ایجاد کرده بود، آشکار شد. این علاقه به بررسی معماری بومی که یا در واکنش به گمنامی معماری خود و یا در صدر یافتن اصولی برای حل مشکلات شکل گرفته، ایجاد شده بود؛ طیف گسترده‌ای از زمینه‌های مختلف از جمله ابعاد انسانی، نیازها و فرهنگ کاربران، مواد و مصالح ساختمانی، اقلیم، انرژی و ... را شامل می‌شود (صادق پی، ۱۳۹۱، ۶). محققانی چون راپاپورت یکی از عوامل مؤثر در معماری بومی را مباحث مربوط به زمینه‌های فرهنگی مطرح در معماری بومی را برپایه مسائل فرهنگی می‌دانند. تا حدی که پاول (۲۰۰۶) با مطالعه خانه‌های جنوب شرقی آسیا، حالت سمیزی افغانستان، ابوترابی نیجریه، پیرنیا ایران بر لزوم توجه به معماری بومی تأکید کرده‌اند. بنابر تعریفی که پاول الیور از معماری بومی دارد، معماری بومی، آن گونه از معماری است که از درون جوامع رشد می‌کند و طی زمان خود را با شرایط اجتماعی، اقلیمی و فناوری سازگار می‌سازد و تکامل می‌یابد و باز ارزش‌ها، اقتصاد و شیوه‌های زندگی فرهنگ‌هایی که مولد آن‌ها هستند، سازگار می‌باشند و یا به طور خلاصه معماری بومی، معماری مردم و معماری توسط مردم و نه برای مردم است. در این تعریف اهمیت مشارکت مردم در تدوین معماری بومی، به وضوح قابل ملاحظه است تا جایی که راپاپورت نیز اذعان می‌دارد: «این نوع مسکن (بومی) تجلی آنی ارزش‌های در حال تغییر و نیز تصویرخانه و جهان‌بینی و شیوه زندگی است و حاصل مجموعه‌ای از موقعیت‌هاست» (راپاپورت: ۱۳۸۸: ۲۶).

روان‌شناسان اجتماعی، فرهنگ را به این صورت تعریف می‌کنند: «توانایی‌ها و عادت‌هایی که انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب کرده است». فرهنگ و هنر همواره دارای برهم‌کنش‌های فراوانی بوده‌اند و هرگز نمی‌توان تأثیر فرهنگ یک منطقه را بر هنر و معماری آن منطقه منکر شده و نادیده گرفت. بنابراین معماری هر سرزمین ریشه در ادب و فرهنگ آن سرزمین دارد. بدون شناخت ادب و فرهنگ مردمانی که در پهنه آن سرزمین زیسته‌اند، نمی‌توان معماری آن منطقه را درک کرد. همچنین شناخت معماری بومی می‌تواند به منزله شناخت آن جامعه باشد. بنابراین معماری به عنوان یک پدیده اجتماعی از فرهنگ نشأت گرفته و بر آن تأثیر می‌گذارد. به عبارتی مسکن تنها یک ساختار نیست بلکه نهادی است که برای پاسخ‌گویی به مجموعه‌ای پیچیده از اهداف منجمله فرهنگ ایجاد می‌شود. پرچمدار مطالعات

مسکن با رویکرد فرهنگی راپاپورت است. وی در پی تحلیل فرهنگ، رابطه میان خانه (مسکن/سکونتگاه) و هویت بوده و معتقد است هر بنایی تحت تأثیر فرهنگ ساکنانش شکل می‌گیرد و مطابق با آن اداره می‌شود و با شناخت هویت و خصوصیت یک فرهنگ و وقوف به ارزش‌های آن می‌توان به بررسی نحوه سکونت در آن فرهنگ پرداخت. سکونتی که باید هر دو نیاز فیزیکی و فرهنگی را جوابگو باشد. راپاپورت برای توضیح رابطه فرهنگ و محیط، مفهوم فرهنگ را تجزیه می‌کند. در قدم نخست فرهنگ را نوعی جهان‌بینی قلمداد می‌کند. جهان‌بینی «گرش اعضای یک فرهنگ خاص در یک جامعه به تمام موضوعات مرتبط به هستی‌شناسی است» (پوردییمی: ۵: ۱۰). تجزیه و تحلیل فرهنگ برای طراحی محیط‌های مصنوع اهمیت دارد. چراکه شیوه هر کدام از گروه‌ها ویژگی‌های خاص خود را دارد که عوامل عضویت در گروه اجتماعی نظیر سن، جنس، طبقه، مذهب، تحصیلات، حرفه، ایدئولوژی و... آن را تعیین می‌کند. روش زندگی به طور فزاینده‌ای در تقسیم‌بندی بازار مسکن، تحقیقات علمی درباره استفاده‌کنندگان و در طراحی واحدهای مسکونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. شیوه‌ی زندگی افراد را می‌توان با سنجش الگوهای مصرف، خوراک، حمل و نقل، رسانه‌ها، نوع تفریح و گذران فراغت، ارتباطات جمعی، نوع استفاده از محیط‌های اجتماعی و... تعیین کرد (همان: ۱۴). تبدیل خانه‌های گذشته و سنتی به آپارتمان‌های امروزی، علاوه بر تغییرات کالبدی، عملکردی و فضایی معماری مسکن و محیط‌های مسکونی باعث تغییر در شیوه زندگی خانواده ایرانی شده است. بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. از تحقیقات و نظریه‌هایی که در زمینه خانه و شیوه زندگی صورت گرفته است، می‌توان به موارد شامل موارد زیر اشاره کرد:

در تحقیقات جامعه‌شناس معاصر «پی‌یر بوردیو» درباره خانه ایده‌آل، تمایز در سبک زندگی با استفاده از تکمیل پرسش‌نامه‌ای جامع از طبقات اجتماعی «تجمل‌پسند» تا «ضرورت‌پسند» نشان داده شده است. به گفته وی در سلسله‌مراتب اجتماعی بالاتر، توجه بیشتری به ویژگی‌های زیبایی‌شناختی می‌شود و در مقابل توجه به پاسخ‌های محیطی کارکردگرا کاهش می‌یابد (بوردیو: ۱۳۹۱: ۳۳۸). این نتیجه حکایت از نیاز به شناخت تمایز میان خواسته‌ها و نیازهای انسان توسط طراحان دارد. راپاپورت در دهه ۱۹۷۱ میلادی که به ساختار کلی فرهنگ و عوامل مؤثر بر محیط‌های ساخته‌شده می‌پردازد، روش زندگی را به‌عنوان بخشی از اجزای فرهنگ می‌داند که بر سیستم فعالیت‌ها و در نتیجه بر انتخاب کیفیت‌های زندگی و محیط ساخته‌شده، تأثیر می‌گذارد (Rapoport, ۲۰۰۵) او بیان می‌کند که اگر قدرت و توان یک پناهگاه، نقش انفعالی خانه باشد، هدف فعال خانه ایجاد محیطی است که به بهترین شکل با شیوه زندگی یک قوم هماهنگ و مرتبط باشد (راپاپورت: ۱۳۹۱: ۸۲).

لارنس در زمینه شیوه زندگی روزمره و چگونگی استفاده از فضا بیان می‌کند که به منظور درک معانی نهفته در طراحی کاشانه‌ها، باید چگونگی انتظام رفتارها و فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی که از طریق قانونمندی و قواعد مرسوم پدید می‌آیند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. رسوم زندگی که نقش محوری در این ارتباط را ایفا می‌کنند، می‌تواند در کشف شیوه استفاده از فضاها بسیار سودمند باشند (Lawrence: ۱۹۹۵). توماس هجراب قوم‌شناس دانمارکی در کتابی تحت عنوان «ملت، فرهنگ و شیوه زندگی: در تحلیل خود» به معرفی سه نوع شیوه زندگی می‌پردازد که شامل

خود اشتغالی (عدم جدایی بین کار و فضای خانه)، دستمزد نان آور (خانه تنها مکانی برای اهداف تفریحی و نه معیشتی) و پیشه حرفه‌ای (خانه منعکس کننده برنامه‌های شخصی) بوده و در این دسته‌بندی نشان می‌دهد که سطح درآمد، محل کار و سبک کار فردی، نیازها و اولویت‌های خانه را تغییر می‌دهد. ماری داگلاس انسان‌شناس انگلیسی در سال ۱۹۶۶، چهار خرده فرهنگ را معرفی کرده که شامل رقابت و فردیت، اجتناب از کنترل‌های اجتماعی، تساوی حقوق و مذاکره و جوامع سلسله مراتبی بوده و بیان می‌کند که چگونه می‌توان با این خرده فرهنگ‌ها به بررسی محیط خانه پرداخت. تیپولوژی خانه‌ها از نظر اندازه خانه، همسایگی و تصویر کلی خانه منعکس کننده این تئوری است (Salama : ۲۰۰۶: ۷۲).

یکی از تحقیقات میدانی، تحقیق چاپین (۱۹۳۵) است که در آن‌ها تکیه اصلی به بررسی محل سکونت، نوع خانه، وسایل اتاق نشیمن و دیگر جلوه‌های عینی‌شان و منزلت می‌باشد که موسوم به «مقیاس اتاق نشیمن» است. این مقیاس بر مبنای این واقعیت ساخته شد که عموماً «سبک زندگی» و خصوصاً اشیای تحت تملک مردم، در طبقه‌های مختلف تفاوت دارد. از نظر چاپین، لوازمی که در اتاق نشیمن یافت می‌شود منعکس کننده دستاوردهای فرهنگی، دارایی‌های مادی و منزلت اقتصادی و اجتماعی خانواده است (Sills: ۱۹۹۱). جانسن، نیز مسئله استفاده از شیوه زندگی را برای مطالعه ترجیحات و بازاریابی مسکن پیشنهاد می‌دهد (Janson: ۲۰۱۱). در ایران در سال‌های اخیر پژوهشگران مختلفی به مفهوم بیرون و درون با عناوینی چون جداره‌ها- فضای وصل (بدیعی: ۱۳۸۱)، فضای مرزی- پیوندی (میرشاهزاده: ۱۳۹۰) و مفصل (رضاخانی: ۱۳۹۲) از نگاه فلسفی، زبان‌شناسی، معناشناسی و غیره پرداخته‌اند. همینطور محمدرضا مازندرانی حائری در کتاب خانه، فرهنگ، طبیعت تعدادی از خانه‌های سنتی شهرهای همدان، رشت، کاشان، شیراز و بوشهر را بررسی و آن را با خانه‌های معاصر مقایسه می‌کند. عنوان بخشی از کتاب بررسی شیوه زندگی و سازمان فضایی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر است که هدف آن را فهم تاثیر متقابل شیوه زندگی و شیوه شهرنشینی بر سازمان فضایی خانه بیان می‌کند (حائری مازندرانی: ۱۳۸۸: ۳۰). در مطالعه حاضر سعی شده است تا به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به بررسی تغییر روند شیوه زندگی از بناهای سنتی به امروزی منطقه آذربایجان شهر اردبیل پرداخته شود.

مفاهیم محوری پژوهش

۱/۱. سبک زندگی

واژه "LifeStyle" که به نوعی هم معنی با لغت «شیوه زندگی» می‌باشد از دو جزء "Life" و "Style" می‌باشد که در بیشتر ادبیات معاصر پارسی معادل با «سبک یا شیوه» در نظر گرفته شده است. معنوی لغوی «زندگی» از فعل زیستن مشتق شده است و به همه امورات عینی و ذهنی انسان دلالت دارد. در لغت‌نامه‌ها معنی لغوی "Life Style" به دو صورت بیشتر مورد توجه بوده است، در شکل اول آن را شیوه زندگی فرد، گروه یا فرهنگ شیوه خاص از زندگی یک شخص یا گروه می‌دانند، در شکل دوم آن را شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس کننده گرایش‌ها و ارزش‌های

یک فرد یا گروه است، معنی می‌کنند. یعنی عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و مانند آن که باهم، طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد، مورد توجه قرار می‌گیرد (Merriam-Webster: ۲۲). راپاپورت در دهه ۱۹۷۱ میلادی به ساختار کلی فرهنگ و عوامل مؤثر بر محیط‌های ساخته‌شده می‌پردازد و روش زندگی را به عنوان بخشی از اجزای فرهنگ می‌داند که بر سیستم فعالیت‌ها و در نتیجه بر انتخاب کیفیت‌های زندگی و محیط ساخته‌شده تأثیر می‌گذارد (Rapoport). او بیان می‌کند که اگر قدرت و توان یک پناهگاه، نقش انفعالی خانه باشد، هدف فعال خانه ایجاد محیطی است که به بهترین شکل با شیوه‌ی زندگی یک قوم هماهنگ و مرتبط باشد (راپاپورت: ۱۳۸۸). از نظر پیربورديوور شیوه زندگی نظام‌کرد و کارهای طبقه‌بندی شده و طبقه‌کننده یا نشانه‌های متمایزکننده است که در قالب ریختار متمایزکننده فضا بازنمایی می‌شود (بورديوو: ۱۳۹۱: ۲۴). در این رویکرد فضا محور، خانه به مثابه بازنمایی فضایی جهت انجام رفتار، کرد و کار و کنش‌های متقابل افراد نسبت به یکدیگر بوده و به عنوان مکانی شناخته می‌شود که نسبت به شیوه زندگی، سازمان فضایی و عناصر آن دائماً در حال تغییر و تحول است. از نگاه بندیکر شیوه زندگی اصطلاحی است که به نحوه زندگی یک گروه و یا چندین قوم اطلاق می‌شود (Benedikter: ۲۰۱۱: ۲۵). لارنس در زمینه شیوه زندگی روزمره و چگونگی استفاده از فضا بیان می‌کند که به منظور درک معانی نهفته در طراحی کاشانه‌ها، باید چگونگی انتظام رفتارها و فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی که از طریق قانون‌مندی و قواعد مرسوم پدید می‌آیند. مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. او نتیجه می‌گیرد رسوم زندگی که نقش محوری در این ارتباط را ایفا می‌کنند، می‌توانند در کشف شیوه‌ی استفاده از فضاها بسیار سودمند باشند (Lawrence: ۱۹۹۵).

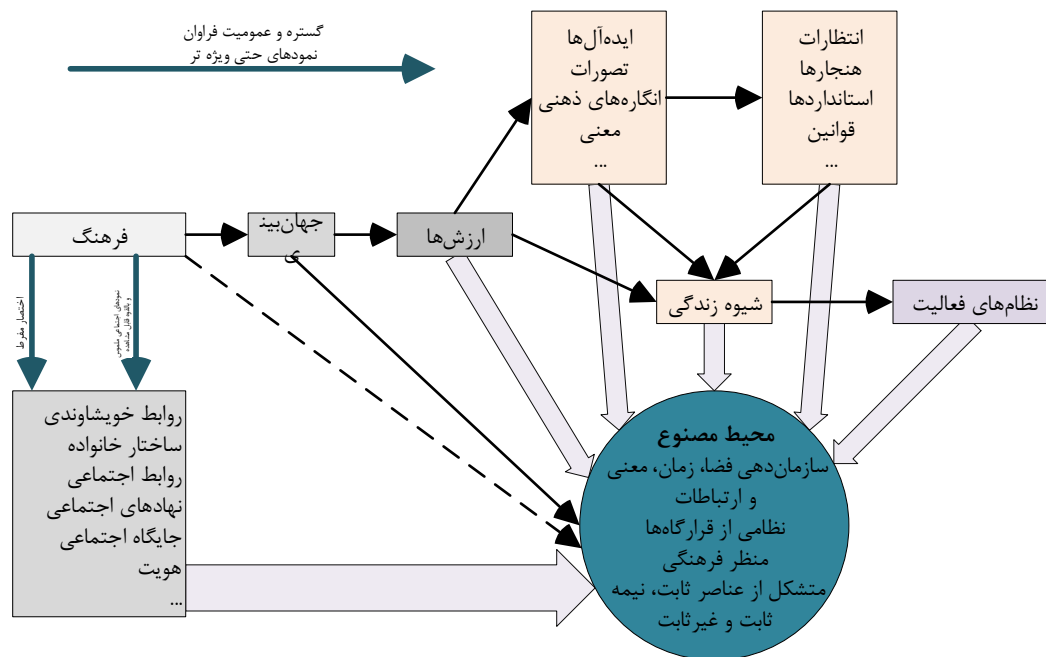
به‌طور کلی شیوه زندگی مجموعه‌ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره است که برآورده نیازهای مادی و معنوی انسان می‌باشد. از طرفی تاریخ، فرهنگ و زندگی روزمره ما همزمان در خانه و مسکن به هم گره خورده‌اند، چنانکه مسکن تنها برای بقا و زنده ماندن نیست، بلکه الزامات و اقتضائات خود را به تمامیت هستی و شیوه زندگی انسان تحمیل کرده است. چنین است که شیوه‌های معیشتی و زیستی گوناگون مانند شیوه‌های دامپروری، کشاورزی و صنعتی هرکدام نظام مسکونی خاص خود را به‌وجود آورده‌اند (فاضلی: ۱۳۸۶: ۶۳). از دیگر مسائلی که در روند تغییرات خانه‌های سنتی به امروزی تغییر کرده است مسئله جنسیت و روند تغییرات آن از گذشته تاکنون است. انگاره‌های جنسیتی در معماری ایرانی موضوع است که جای مطالعه آن در ادبیات معماری ایرانی (همچون خانه سنتی و امروزی) خالی است. بازنمایی و خوانش جنبه‌های عینی و تاریخی جنسیت با تمرکز بر زنانگی در بستری که همواره با تحلیل و تفاسیری از مفاهیم قدسی همراه بوده است، علاوه بر آنکه در کشف زوایای پنهان با نگاهی متفاوت به معماری ایرانی-اسلامی یاری‌رسان است، می‌تواند در مفهوم‌سازی و گسترش دایره زبانی و ادبیات معماری ایرانی نیز ایفای نقش نکند. این موضوع که مفاهیم جنسیتی به چه نحوی بر شکل‌گیری هنر و معماری تأثیر می‌گذارد ضرورت پرداختن به مقوله جنسیت و اهمیت آگاهی به آن را آشکار می‌سازد (وحدت‌طلب: ۱۳۹۸: ۴۸۰).

جدول شماره ۱- رویکردهای مطرح شده در رابطه با شیوه زندگی و سکونت

محققان	رویکردهای مطرح شده در رابطه با شیوه زندگی و سکونت	فاکتورهای ارزیابی شیوه زندگی
راپاپورت	شیوه زندگی از عوامل مؤثر بر شکل خانه	بخشی از اجزای فرهنگ و متأثر از جهان بینی
لارنس	کشف شیوهی استفاده از فضا و درک معانی نهفته در خانه به واسطه رسوم زندگی	انتظام رفتار و فعالیتها
هجراب	تغییر اولویتها و نیازهای خانه به واسطه شیوهی زندگی	نوع کار و میزان درآمد
داگلاس	تحلیل تیپولوژی خانه و ادغام واحد همسایگی براساس شیوه زندگی	چهار خرده فرهنگ (رقابت و فردیت، کنترل های اجتماعی، تساوی حقوق، جوامع سلسله مراتبی)
تیلی و دیگران	شیوه زندگی مؤثر بر انتخاب نوع، کیفیت و موقعیت خانه	سطح تحصیلات و درآمد
حائری	تفاوت خانه های تاریخی و معاصر با تغییرات شیوهی زندگی	-

منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

مطالعات در حوزه ارتباط فرهنگ و شکل خانه نیز عموماً در سه حوزه قابل دسته بندی است که شامل روش زندگی، جنبه های ذهنی انسان و نحوه همسازی انسان با محیط است (پوردیهیمی، ۱۳۹۰). روش زندگی تنها وجه عینی و مشخص فرهنگ است که از خلال آن می توان به تمایزهای فردی و گروهی و متعاقباً مسئله هویت افراد و گروهها پی برد (افشاری و پوردیهیمی، ۱۳۹۵: ۴). راپوپورت در راستای تبیین نسبت میان فرهنگ و محیط مصنوع شیوه زندگی را عینی ترین مظهر فرهنگ برمی شمرد که در نظام های فعالیت منعکس می شود (تصویر شماره ۱). در این تصویر سرمایه اجتماعی ذیل مفهوم فرهنگ گنجانده شده است.



تصویر شماره ۱- تفکیک فرهنگ و نمایش ارتباط آن با محیط مصنوع

تحقیقات صورت گرفته در ارتباط با شیوه زندگی و سکونت (جدول شماره ۱) به لزوم توجه به شیوه زندگی و یا عوامل مؤثر بر آن در بررسی مسکن پرداخته‌اند. پارامترهایی که از نظر محققین نامبرده شیوه زندگی را پوشش می‌دهد؛ به طور خلاصه شامل جهان‌بینی، خرده فرهنگ‌ها، رسوم زندگی، نوع اشتغال، سطح درآمد، میزان تحصیلات و فعالیت‌های فردی و جمعی می‌باشد. باتوجه به اینکه شیوه زندگی مجموعه‌ای از عملکردهای روزانه و فعالیت‌های انسان تعریف گردید، به منظور بررسی همه‌جانبه آن نیازمند تعریفی عملیاتی و سطح‌بندی آن براساس فعالیت‌های ساکنان خانه‌های گذشته تا امروزی است. برای درک مؤلفه‌های شیوه زندگی در قالب‌های کلی، نظریه پردازان علوم اجتماعی عناوین متعددی را بیان کرده‌اند. به عنوان مثال فرن مؤلفه‌های سبک زندگی را در سه دسته فعالیت، علاقه‌مندی‌ها و عقاید تقسیم‌بندی می‌کنند (مهدوی کنی: ۱۳۸۶: ۲۱۴). اما برای پی‌بردن به مصداق‌های عینی سبک زندگی در شیوه سکونت نیازمند پاسخ به این پرسش‌ها است که مردم چه فعالیتی را در خانه انجام می‌دهند؟ و این فعالیت‌ها را چگونه انجام می‌دهند؟ ولیچکو دوبریانوف جامعه‌شناس مؤسسه جامعه‌شناسی بلغارستان چهار عرصه برای سبک زندگی عنوان کرده است که به شناسایی این فعالیت‌ها کمک شایانی می‌کند. این عرصه‌ها عبارت‌اند از: ۱- فعالیت‌های کاری؛ ۲- فعالیت‌های عمومی و سیاسی؛ ۳- فعالیت‌های فرهنگی؛ ۴- فعالیت‌های روزمره و بازتولید زندگی (رضوی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۱۵). با تطبیق این فعالیت‌ها و مصاحبه‌های صورت گرفته از عملکردهای روزانه‌ی زندگی ساکنین ابعاد شیوه زندگی را به چهار دسته کلی تقسیم می‌شوند که هر یک خود به مؤلفه‌های متعددی قابل تقسیم هستند. این عوامل عبارت‌اند از: ۱- فعالیت‌های زیستی؛ ۲- فعالیت‌های معیشتی؛ ۳- فعالیت‌های اجتماعی؛ ۴- رسوم سنتی (جدول شماره ۲).

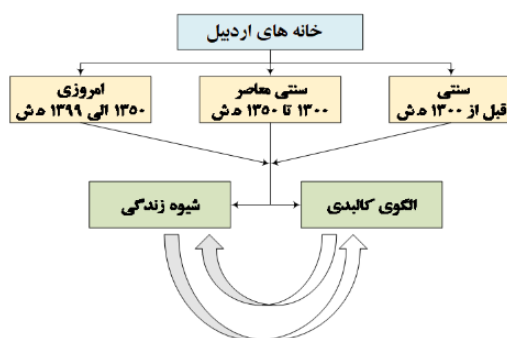
جدول شماره ۲- مدل کلی برای سطح‌بندی شیوه زندگی در رابطه با خانه

مؤلفه‌ها	ابعاد
فعالیت‌های مرتبط با کار فردی، خانوادگی، گروهی و کارهای تولیدی	فعالیت معیشتی
آداب و رسوم محلی، رسوم اعتقادی و فرهنگی و مذهبی	رسوم سنتی
مهمانی، ارتباط با همسایگان، نحوه‌ی گذران اوقات فراغت جمعی نظیر بازی‌های گروهی و...	فعالیت اجتماعی
فعالیت‌های مرتبط با خوردن، خوابیدن، تدارک وعده‌های غذایی و...	فعالیت زیستی

منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

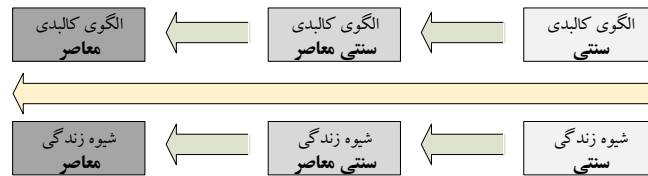
۱،۲. چارچوب نظری و روش تحقیق

در این تحقیق الگوی مسکن اردبیل و شیوه زندگی آن‌ها در دوره‌های مختلف و سیر تحول این تغییرات از گذشته تا امروز بررسی شده است. در این راستا خانه‌های شهر اردبیل را می‌توان به سه دوره خانه‌های سنتی (دوران قاجار)، خانه‌های سنتی معاصر (دوران پهلوی) و خانه‌های امروزی تقسیم می‌شوند. خانه‌های سنتی خانه‌های هستند که به صورت کاملاً سنتی در شکل واقعی خودشان باقی مانده‌اند. قدمت این خانه‌های به دوران زندیه و قاجار برمی‌گردد. خانه‌های سنتی معاصر مربوط به دوران پهلوی هستند و تصویر کلی خانه‌های سنتی معاصر را دارند اما با گذشت زمان و متناسب با آن به سوی معاصر شدن تغییراتی کرده‌اند. خانه‌های امروزی با الگوی خانه‌سازی و شیوه زندگی غربی که مربوط به دهه‌های پس از انقلاب اسلامی می‌باشند. در این مقاله ابتدا با شناخت خانه‌های هر دوره که توسط برداشت میدانی انجام شد، فضاها و عملکردهای هر خانه معرفی شد؛ سپس شیوه سکونت در این خانه‌ها از طریق مصاحبه با مردم بررسی شد. در این روش با بیان فعالیت‌های مادی و معنوی روزانه و سالانه در خانه‌های هر دوره به نقش و اهمیت فضاها، علت حضور یا عدم حضور عناصر و تنوع و فراوانی آنها می‌توان پی برد (تصویر شماره ۲). در نهایت در یک فرآیند مقایسه‌ای تغییر الگوی سکونت با توجه به تغییر شیوه زندگی بررسی و تحلیل گردید (تصویر شماره ۳).



تصویر شماره ۲- تأثیر الگوی کالبدی و شیوه زندگی در دوره‌های زمانی در خانه‌های منطقه اردبیل

منبع: نگارنده، ۱۳۹۹



تصویر شماره ۳- تغییرات الگوی کالبدی و شیوه زندگی در خانه‌های منطقه اردبیل

منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

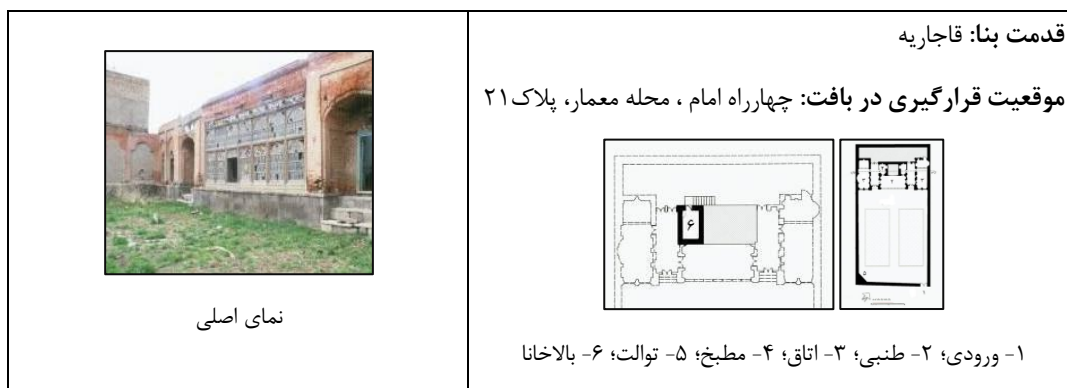
۲. یافته‌های پژوهش

براساس برداشت‌های میدانی و تحقیقات کتابخانه‌ای خانه‌های شهر اردبیل را می‌توان به سه دوره خانه‌های سنتی (دوران قاجار)، خانه‌های سنتی معاصر (دوران پهلوی) و خانه‌های امروزی تقسیم می‌شوند. در این مطالعات سعی شده است تمامی خانه‌های سنتی شهر اردبیل و هم‌منظور تعدادی از خانه‌های امروزی بررسی گردد که در این مقاله در جدول زیر خانه‌های سنتی سید هاشم ابراهیمی، آصف و شریعت (دوران قاجاریه)، خانه‌های سنتی سیدکاشانی، منافزاده و حاجی بخش علیپور (دوران پهلوی) و خانه‌های امروزی پوررستم، صادقی و حبیب‌زاده (دوران امروزی) مورد بررسی و تحقیق کامل قرار گرفته‌اند.


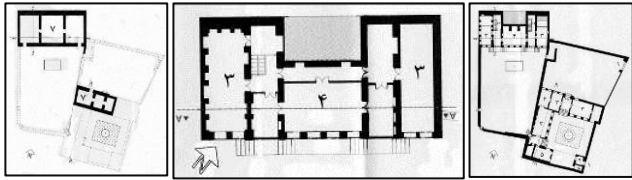
جدول شماره ۳- خانه سید هاشم ابراهیمی (شهر اردبیل، دوران قاجاریه)



جدول شماره ۳- خانه آصف (شهر اردبیل، دوران قاجاریه)


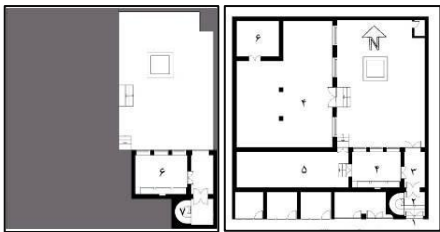


جدول شماره ۴- خانه شریعت (شهر اردبیل، دوران قاجاریه)

	<p>قدمت بنا: قاجاریه</p> <p>موقعیت قرارگیری در بافت: محله اوچ دکان- کوچه آیت‌الله سعیدی</p>  <p>۱- ورودی؛ ۲- هشتی؛ ۳- توالت و حمام؛ ۴- اتاق؛ ۵- طنبی؛ ۶- مطبخ؛ ۷- انبار؛ ۸- زیرزمین</p>
نمای اصلی	


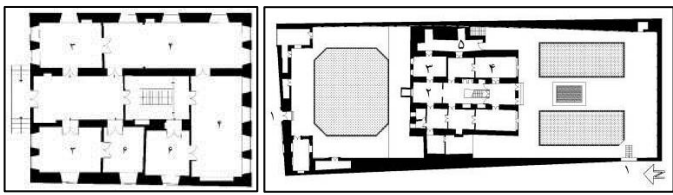
منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

جدول شماره ۵- خانه سید کاشانی (شهر اردبیل، دوران پهلوی)

	<p>قدمت بنا: پهلوی دوره اول</p> <p>موقعیت قرارگیری در بافت: بازار، محله گازران</p>  <p>۱- ورودی؛ ۲- هشتی؛ ۳۰- دهلیز؛ ۴۰- طنبی؛ ۵- مطبخ؛ ۶- اتاق؛ ۷- حیاط</p>
دید از حیاط	


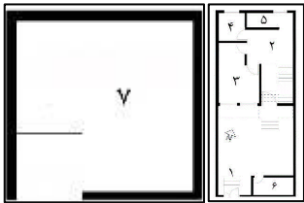
منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

جدول شماره ۶- خانه منافزاده (شهر اردبیل، دوران پهلوی)

	<p>قدمت بنا: پهلوی دوره اول</p> <p>موقعیت قرارگیری در بافت: محله سرچشمه</p>  <p>۱- ورودی؛ ۲- دهلیز؛ ۳- اتاق؛ ۴- طنبی؛ ۵- انبار؛ ۶- مطبخ</p>
دید از حیاط	


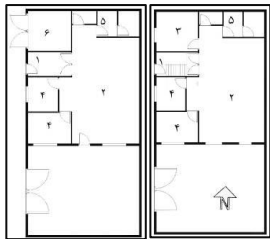
منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

جدول شماره ۷- خانه حاجی بخش علی پور (شهر اردبیل، دوران پهلوی)

 <p>دید از حیاط</p>	<p>قدمت بنا: پهلوی دوره اول</p> <p>موقعیت قرارگیری در بافت: خیابان آیتالله مدنی، پشت جمعه مسجد</p>  <p>۱- ورودی؛ ۲- دهلیز؛ ۳- دهلیز؛ ۴- اتاق؛ ۵- مطبخ؛ ۶- سرویس؛ ۷- زیرزمین</p>
--	---


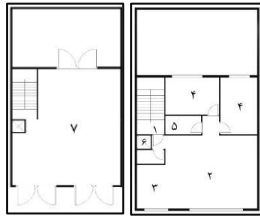
منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

جدول شماره ۸- خانه پوررستم (شهر اردبیل، دوران مدرن)

 <p>دید از بیرون</p>	<p>قدمت بنا: ۱۳۷۵</p> <p>موقعیت قرارگیری در بافت: شهرک سبلان</p>  <p>۱- ورودی؛ ۲- پذیرایی؛ ۳- آشپزخانه؛ ۴- اتاق؛ ۵- سرویس؛ ۶- پارکینگ</p>
--	---

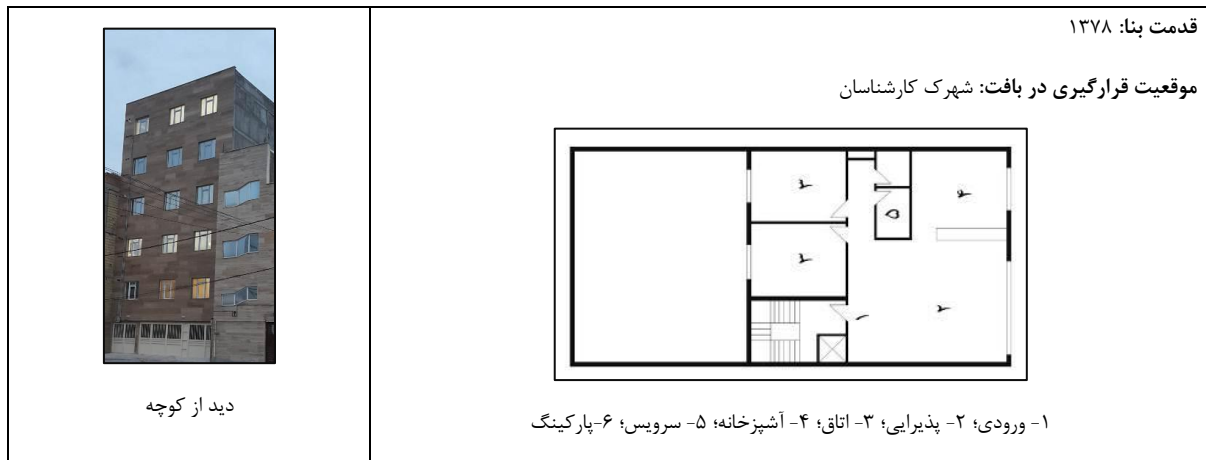
منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

جدول شماره ۹- خانه صادقی (شهر اردبیل، دوران مدرن)

 <p>دید از کوچه</p>	<p>قدمت بنا: ۱۳۹۲</p> <p>موقعیت قرارگیری در بافت: شهرک کوثر</p>  <p>۱- ورودی؛ ۲- پذیرایی؛ ۳- پذیرایی؛ ۴- اتاق؛ ۵- سرویس؛ ۶- آسانسور؛ ۷- پارکینگ</p>
--	---

منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

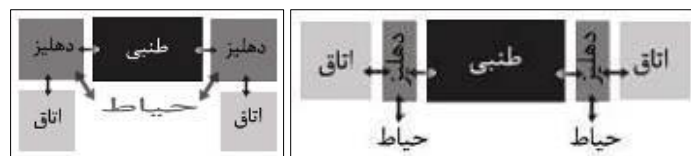
جدول شماره ۱۰- خانه حبیب‌زاده (شهر اردبیل، دوران مدرن)



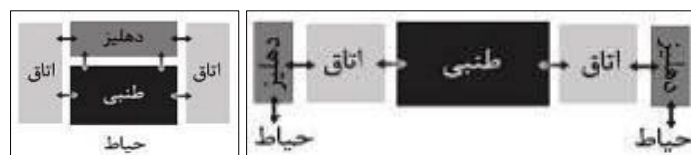
منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

۲.۱. تحلیل خانه‌های سنتی دوران قاجاریه

خانه‌های شهری سنتی به‌جای مانده از دوران قاجار به‌صورت چهار الگوی تقسیم می‌شوند. اکثر بناها از الگوی اول پیروی می‌کنند که در این الگو طنبی در وسط به‌عنوان اتاق میهمان استفاده می‌شد که گاهی ارتفاع بلندتری نسبت به اتاق‌های مجاور داشته است. در طرفین طنبی اتاق‌های خانه قرار داشته و دسترسی به اتاق‌ها به‌واسطه راهروهایی در طرفین اتاق‌های صورت می‌گرفته است. رفته‌رفته الگوی بعدی برای بهره‌مندی حداکثر از نور خورشید مورد استفاده قرار گرفته است. در اولویت دوم از نظر تعداد تکرار قرار دارد (تصویر شماره ۴). الگوهای سوم که در دو خانه از آن استفاده شده است تغییر یافته الگوی اول است که جای اتاق و راهرو عوض شده است. الگوی چهارم که آنچنان فراوانی ندارند راهرو در پشت طنبی قرار گرفته است (تصویر شماره ۵).



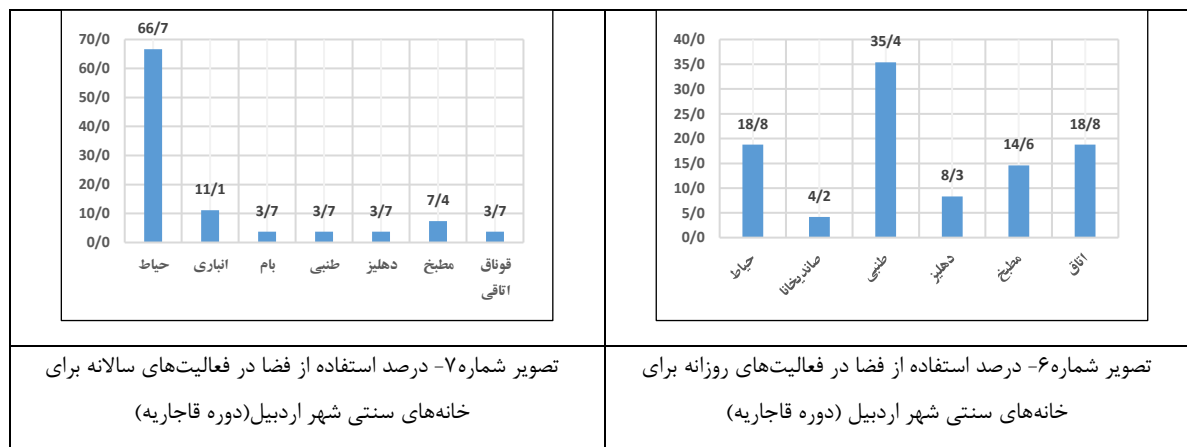
تصویر شماره ۴- اولویت‌های اول (سمت راست) و اولویت دوم (سمت چپ) خانه‌های سنتی قاجاریه اردبیل



تصویر شماره ۵- اولویت‌های سوم (سمت راست) و اولویت چهارم (سمت چپ) خانه‌های سنتی قاجاریه اردبیل













در خانه‌های سنتی با در نظر گرفتن زمان انجام فعالیت‌های روزانه همان‌طور که در نمودار زیر مشاهده می‌شود، تعداد استفاده از فضا بیانگر اهمیت‌شان در زندگی روزمره می‌باشد. بدین ترتیب طنبی (فضای ارتباطی)، حیاط (فضای










باز) و اتاق (فضای بسته) از مهم‌ترین عناصر در خانه‌های سنتی بر مبنای شیوه زندگی می‌باشد (تصویر شماره ۶). در فعالیت‌های سالانه، حیاط بیشترین استفاده را چه از لحاظ برآوردن نیازهای معیشتی و چه از لحاظ برگزاری آداب و رسوم به خود اختصاص داده است (تصویر شماره ۷).



منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

جدول شماره ۱۱- شیوه زندگی روزانه در خانه‌های سنتی شهر اردبیل (دوره قاجاریه)

عصر تا شب	ظهر تا عصر	صبح تا ظهر
 پخت غذا	 پختن غذا	 نماز خواندن
 نماز خواندن	 نماز خواندن	 جمع کردن لحاظ و تشک‌ها
 صرف شام	 صرف نهار	 شستن دست و صورت
 شب‌نشینی	 استراحت و گپ گفتگو	 آماده کردن صبحانه

		
صرف میوه و استراحت	دید و بازدید	صرف صبحانه
		
آوردن لحاظ و تشک	بازی بچه‌ها	انجام کارهای خانه
		
خوابیدن	انجام کارهای خانه	بازی بچه‌ها

اهمیت فضا در خانه‌های سنتی قاجاریه شهر اردبیل بر مبنای شیوه زندگی، کالبد خانه و از نظر ساکنین قابل بررسی است که در ادامه ارائه شده است:

- اهمیت فضا بر مبنای شیوه زندگی: تعداد استفاده از فضا بیانگر اهمیتشان در زندگی روزمره می‌باشد. بدین ترتیب طنبی، حیاط و اتاق از مهم‌ترین عناصر در خانه‌های سنتی بر مبنای شیوه زندگی می‌باشد.
- اهمیت فضا بر مبنای کالبد خانه: باتوجه به هندسه پلان خانه‌های قدیمی، وجود حیاط‌های بزرگ در قلب خانه، بیانگر اهمیت آن از لحاظ کالبدیست. فضای طنبی نیز با قرار گرفتن در طبقه اول و در بهترین مکان، هم از نظر جایگاه و هم از نظر ابعاد و... از جمله فضاهای مهم خانه سنتی در اردبیل به‌شمار می‌رود.
- اهمیت ذهنی فضا از نظر ساکنین: از لحاظ ذهنی ساکنین، طنبی را مهم‌ترین فضا می‌دانند. چون همواره در حال استفاده می‌باشد. همچنین به اعتقاد آن‌ها «حیاط اونن یاریدی» یعنی حیاط به اندازه خود خانه اهمیت دارد. لازم به ذکر است متوسط مساحت زمین در بناهای سنتی اردبیل ۵۰۰ مترمربع محاسبه شده است و اشغال ۴۰ درصدی زمین نشان از این امر است که حیاط و فضای سبز آن ارتباط تنگاتنگی با میزان رضایتمندی و خواست سازنده‌های این خانه‌ها از منازلشان داشته است. همین‌طور در فضاهای خانه‌های سنتی دوره قاجاریه فضاهای مربوط به زنان و حفظ محرمیت در فضاها به‌خوبی در نظر گرفته شده است.

۲،۲. تحلیل خانه‌های سنتی دوران پهلوی

در معماری سنتی مربوط به دوران پهلوی نحوه قرارگیری فضاهای در زمین به این صورت است که بخش مسکونی در ضلع شمالی قرار گرفته و فضاهای اصلی مانند اتاق و پذیرایی از نور مناسب جنوبی بهره می‌برند. بنابراین هندسه غالب و شکل کلی خانه‌های به این صورت بوده که فضاهای اصلی به‌صورت یک لایه در ضلع شمالی و لایه‌های دیگر در

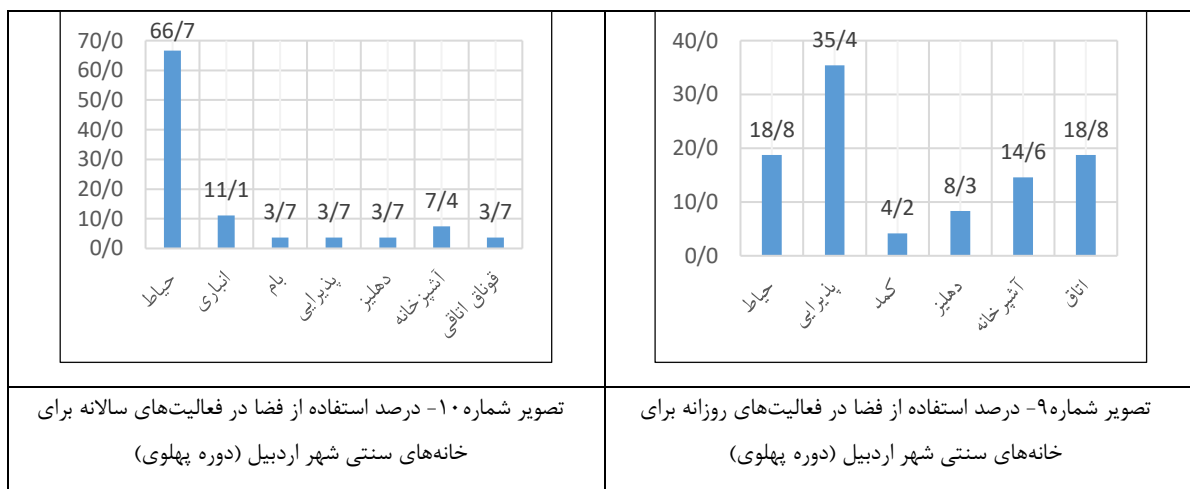
اضلاع دیگر حیاط قرار می‌گرفت. در کل در خانه‌های سنتی پهلوی فراوانی خانه‌های یک‌طرفه از همه بیشتر بوده و پس از آن شکل L مانند بیشترین فراوانی را داشته است.

خانه‌های شهری سنتی به‌جای مانده از دوران پهلوی به‌صورت زیر تقسیم‌بندی می‌شود. اکثر بناها که مربوط به دوره پهلوی اول است. همچنان از الگوی اول که میراث دوره قاجار بود، بهره برده‌اند. رفته‌رفته الگوی بعدی مورد توجه قرار گرفته است که در این الگو طنبی جای خود را به فضایی به نام پذیرایی داد که همان نقشه را ایفا می‌کرد با این تفاوت که پذیرایی از محور خانه خارج شده و کم‌تر در مرکز پلان قابل رویت است. مجاور پذیرایی فضایی به نام قوناق اتاقی قرار می‌گرفت که با گذشت زمان این فضا جای خود را به آشپزخانه داد. به‌طبع آن اتاق‌ها در ضلع شمالی قرار می‌گیرد و دیگر فضاهای خدماتی مابین فضاهای ذکر شده جای می‌گیرد از جمله سرویس بهداشتی که در دوره پهلوی دوم کم‌کم به داخل بنا نفوذ می‌کند. بنابراین الگوی سوم از پذیرش بیشتری در بین مردم برخوردار می‌شود (تصویر شماره ۸).















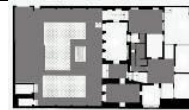



تصویر شماره ۸- اولویت‌های اول (راست) اولویت دوم (میانی) و اولویت سوم (چپ) الگوهای خانه‌های سنتی معاصر

با در نظر گرفتن زمان انجام فعالیت‌های روزانه هم‌چنان که در تصویر زیر نشان داده شده است، بیشترین زمان استفاده از فضا متعلق به طنبی و سپس اتاق و حیاط می‌باشد (تصویر شماره ۹). در فعالیت‌های سالانه، حیاط بیشترین استفاده را چه از لحاظ برآوردن نیازهای معیشتی و چه از لحاظ برگزاری آداب و رسوم به خود اختصاص داده است (تصویر شماره ۱۰).



منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

جدول شماره ۱۲- شیوه زندگی روزانه در خانه‌های سنتی شهر اردبیل (دوره پهلوی)

عصر تا شب	ظهر تا عصر	صبح تا ظهر
 پختن غذا	 پختن غذا	 نماز خواندن
 نماز خواندن	 نماز خواندن	 جمع کردن لحاظ و تشک‌ها
 صرف شام	 صرف نهار	 شستن دست و صورت
 شب‌نشینی	 استراحت و گپ گفتگو	 آماده کردن صبحانه
 صرف میوه و استراحت	 دید و بازدید	 صرف صبحانه
 آوردن لحاظ و تشک	 بازی بچه‌ها	 انجام کارهای خانه
 خوابیدن	 انجام کارهای خانه	 بازی بچه‌ها

اهمیت فضا در خانه‌های سنتی دوره پهلوی شهر اردبیل بر مبنای شیوه زندگی، کالبد خانه و از نظر ساکنین قابل بررسی است که در ادامه ارائه شده است:

▪ **اهمیت فضا بر مبنای شیوه زندگی:** تعداد استفاده از فضا بیانگر اهمیتشان در زندگی روزمره می‌باشد. بدین ترتیب پذیرایی، حیاط و اتاق از مهم‌ترین عناصر در خانه‌های سنتی معاصر بر مبنای شیوه زندگی می‌باشند.

▪ **اهمیت فضا بر مبنای کالبد خانه:** باتوجه به هندسه پلان خانه‌ها، وجود حیاط‌های بزرگ در قلب خانه، بیانگر اهمیت آن از لحاظ کالبدیست. فضای پذیرایی نیز با قرار گرفتن در طبقه اول و در بهترین مکان، هم از نظر جایگاه و هم از نظر ابعاد و... از جمله فضاهای مهم خانه به‌شمار می‌رود.

▪ **اهمیت ذهنی فضا از نظر ساکنین:** از لحاظ ذهنی ساکنین، پذیرایی را مهم‌ترین فضا می‌دانند. چون همواره در حال استفاده می‌باشد. همچنین به اعتقاد آن‌ها «حیاط اونن یاریدی» یعنی حیاط به اندازه خود خانه اهمیت دارد. وجود فضای پذیرایی نیز از نظر آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است.

لازم به ذکر است متوسط مساحت زمین در بناهای سنتی دوره پهلوی اردبیل ۳۰۰ مترمربع محاسبه شده است و اشغال ۴۶ درصدی زمین نشان از این امر است که اهمیت بنا در این دوره نسبت به حیاط و فضای باز در دوره قاجاریه افزایش یافته است. تفکیک فضاها در خانه‌های معماری دوره پهلوی به نسبت به فضاهای دوره قاجار کاهش پیدا کرده است اما همچنان محرمیت فضاها خصوصاً برای زنان ساکن در خانه حفظ شده است.

۲,۳. تحلیل خانه‌های امروزی

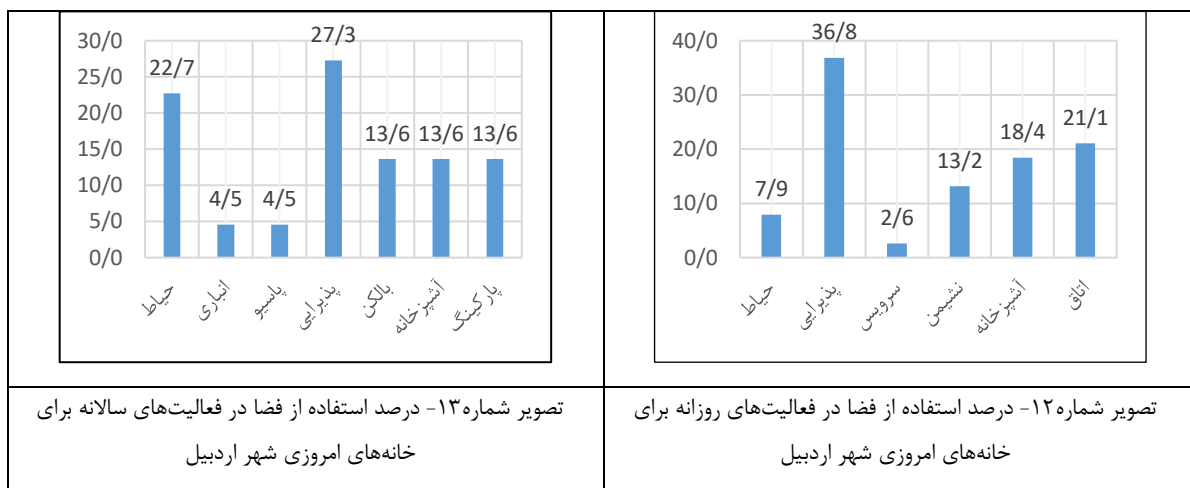
براساس بررسی‌های انجام شده در خانه‌های امروزی شهر اردبیل می‌توان گفت که بخش مسکونی در ضلع شمالی قرار گرفته و فضاهای اصلی مانند اتاق و پذیرایی از نور مناسب جنوبی بهره می‌برند. بنابراین هندسه غالب و شکل کلی خانه‌ها به این صورت بوده که فضاهای اصلی به صورت یک لایه در ضلع شمالی حیاط و لایه‌های دیگر در اضلاع دیگر حیاط قرار می‌گیرد. همان‌طور که در پلان‌های خانه‌های فوق مشاهده می‌شود اکثر خانه‌های یک طرفه بوده و پس از آن خانه‌های دو طرفه بیشترین فراوانی را دارند.

در کل خانه‌های شهری امروزی در حالت کلی به صورت زیر تقسیم‌بندی می‌شوند. قسمت اول بناها که مربوط به دوره بعد از انقلاب اسلامی است. همچنان از الگوی دوم که میراث دوره پهلوی بود، بهره برده‌اند. رفته‌رفته الگوی بعدی مورد توجه قرار گرفته است که در این الگو پذیرایی نقش اصلی را ایفا می‌کند. با این تفاوت که پذیرایی از محور خانه خارج شده و کم‌تر در مرکز پلان قابل رویت است. با گذشت زمان اتاق‌ها در ضلع شمالی قرار می‌گیرد و دیگر فضاهای خدماتی مابین فضاهای ذکر شده جای می‌گیرد. از جمله سرویس بهداشتی و حمام فضاهای همکف خانه‌های امروزی که بنام پیلوتی شناخته می‌شوند به فضای پارک ماشین و انباری اختصاص داده می‌شود.



تصویر شماره ۱۱- الگوی اول (سمت راست) و الگوی دوم (سمت چپ) خانه‌های امروزی اردبیل

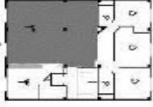

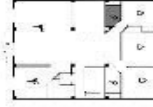


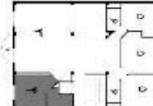


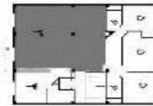


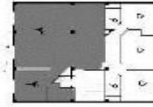



با در نظر گرفتن زمان انجام فعالیت‌های روزانه هم‌چنان‌که در تصویر زیر نشان داده شده است، بیشترین زمان استفاده از فضا متعلق به پذیرایی و سپس اتاق و آشپزخانه می‌باشد (تصویر شماره ۱۲). در فعالیت‌های سالانه، حیاط بیشترین استفاده را چه از لحاظ برآوردن نیازهای معیشتی و چه از لحاظ برگزاری آداب و سوم به خود اختصاص داده است (تصویر شماره ۱۳).



منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

جدول شماره ۱۳- شیوه زندگی روزانه در خانه‌های امروزی شهر اردبیل

عصر تا شب	ظهر تا عصر	صبح تا ظهر
<p>پختن غذا</p>	<p>پختن غذا</p>	<p>نماز خواندن</p>
<p>نماز خواندن</p>	<p>نماز خواندن</p>	<p>جمع کردن لحاظ و تشک‌ها</p>

 صرف شام	 صرف نهار	 شستن دست و صورت
 شب‌نشینی	 استراحت و گپ گفتگو	 آماده کردن صبحانه
 صرف میوه و استراحت	 دید و بازدید	 صرف صبحانه
 آوردن لحاظ و تشک	 بازی بچه‌ها	 انجام کارهای خانه
 خوابیدن	 انجام کارهای خانه	 بازی بچه‌ها

اهمیت فضا در خانه‌های امروزی شهر اردبیل بر مبنای شیوه زندگی، کالبد خانه و از نظر ساکنین قابل بررسی است که در ادامه ارائه شده است:

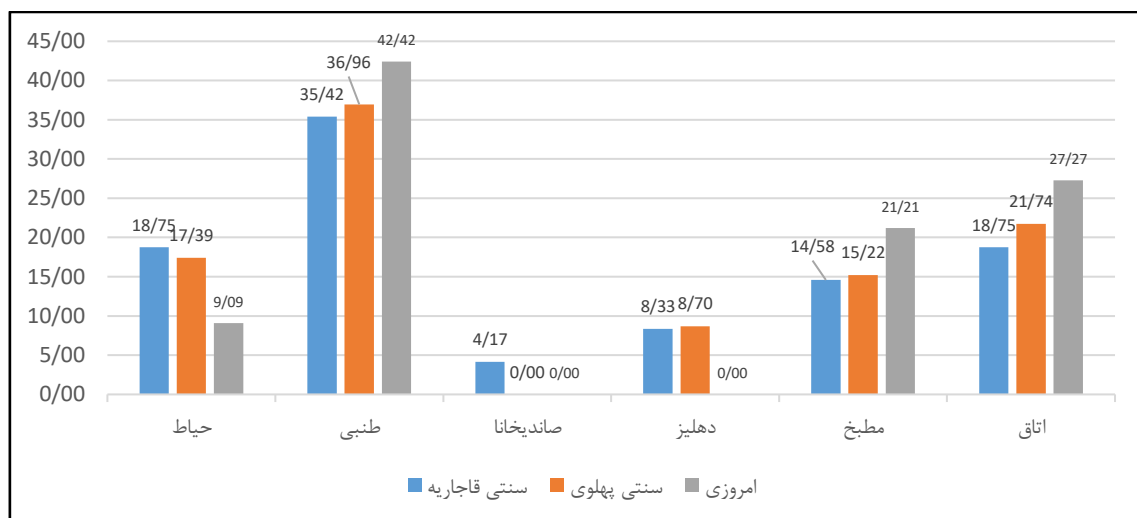
- **اهمیت فضا بر مبنای شیوه زندگی:** تعداد استفاده از فضا بیانگر اهمیتشان در زندگی روزمره می‌باشد. بدین ترتیب پذیرایی، حیاط، اتاق و آشپزخانه از مهم‌ترین عناصر در خانه‌های امروزی شهر اردبیل بر مبنای شیوه زندگی می‌باشند.
- **اهمیت فضا بر مبنای کالبد خانه:** در خانه‌های امروزی شهر اردبیل فضاهای حیاط و پذیرایی مهمترین بخش کالبد خانه به حساب می‌آیند.
- **اهمیت ذهنی فضا از نظر ساکنین:** از لحاظ ذهنی ساکنین نیز حیاط و پذیرایی جزو فضاهای بااهمیت است.

زمین در بناهای امروزی اردبیل ۲۰۸ مترمربع محاسبه شده است و اشغال ۶۰.۶ درصدی زمین نشان از این امر است که حیاز همچون گذشته دارای اهمیت فراوان نمی‌باشد. در کل در خانه‌های امروزی توجه به سلسه

مراتب ورود به خانه یکی دیگر از نکات مهمی است که می‌توان به آن اشاره کرد به شکلی که در سیر کولاسیون خانه امروزی حریم‌های میهمان و صاحب در هم ادغام شده و مرز بین آن‌ها محو شده است و ارتباط کمی با روابط فضایی موجود در گذشته داشته است. در خانه امروزی تفکیک فضاهای جنسیتی به هیچ‌وجه رعایت نشده است؛ به طوری که به عنوان نمونه وجود فضای سرویس بهداشتی در نزدیکی پذیرایی و یا نبود سایر فضاهای تفکیک‌شده مشکلات زیادی برای زنان ایرانی ایجاد کرده است.

نتیجه‌گیری

جمع‌بندی فراوانی استفاده از فضاها برای فعالیت‌های مادی و معنوی در تصویر زیر ارائه شده است که مقایسه دقیقی از تغییرات استفاده از این فضاها می‌توان داشت؛ به طوری که فضاهایی مانند دهلیز و صاندیخانا به کلی از فرهنگ فضایی امروزه مردم اردبیل حذف شده است.



تصویر ۱۴- مقایسه تطبیقی تغییرات استفاده از فضاهای در بناهای سنتی قاجار، پهلوی و امروزی

منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

مهم‌ترین فضاهای که بر مبنای شیوه زندگی و کالبد خانه و از نظر ساکنین برای خانه اردبیلی‌ها در سه دوره سنتی، سنتی معاصر و امروزی مطرح می‌باشد، در جدول زیر ارائه شده است. به‌وضوح قابل‌رؤیت است که حیاط و پذیرایی بیشترین اهمیت را برای مردم اردبیل در دوره‌های مختلف داشته است:

جدول ۱۵- اهمیت فضاها از دوره سنتی تا امروزی در شهر اردبیل

موضوع	سنتی	سنتی معاصر	امروزی
بر مبنای شیوه زندگی	طنبی، اتاق و حیاط	پذیرایی، اتاق و حیاط	پذیرایی و اتاق
بر مبنای کالبد خانه	حیاط و طنبی	حیاط و پذیرایی	حیاط و پذیرایی

از نظر ساکنین	حیاط و طنبی و صانديخانا	حیاط و پذیرای و کمد	حیاط و پذیرایی
از نظر زنان خانواده	وجود فضاهای با محرمیت	وجود نسبی فضاهای محرمیت	عدم وجود فضاهایی به منظور راحتی زنان

منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

در بررسی تطبیق شیوه زندگی با کالبد خانه از دوره سنتی تا امروز نتایج زیر به دست آمده است:

- با گذشت زمان در ساختار کالبدی، اکثریت مردم از فعالیت‌های انجام‌شده در فضای باز (حیاط) منصرف شده و به فعالیت در فضای بسته داخل خانه روی آوردند. با حذف و کاهش فضای باز خانه و حذف فعالیت از آن بخش ساختار فعالیتی و کالبدی دچار تحول گردید و حیاط به عنصر دست دوم در کارکرد و کالبد تنزیل یافت. کارکردهای خانه کاهش یافته و از مکانی چندمنظوره به مکانی با کارکردهای محدود و صرفاً استراحت مبدل شده است. تنزل مفهوم خانه به واحد مسکونی نتیجه این تغییرات است.
- تغییر سبک زندگی کارکردگرایانه به سبک زندگی منفعلانه منجر به تقلیل نقش مکان در خانه‌های معاصر و امروزی شده است. تعدد فعالیت‌ها در خانه‌های گذشته موجب شکل‌گیری تعدد و تنوع فضایی و نیز تشخیص بخشی به مکان و نام‌گذاری آن‌ها با توجه به عملکردهای مختلف هر مکان می‌شد. با محدود شدن فعالیت‌های خانه در دوره معاصر و در پی آن کاهش تعداد و ابعاد فضایی، تداخل عملکردی در سازمان فضایی خانه پدیدار شد.
- مدت‌زمان اقامت در خانه در پی تغییر در نوع اشتغال و فراغت آزاد نسبت به دوره سنتی کاهش یافته و عدم تأمین نیازهای نسبتاً عالی انسانی، ناهنجاری‌هایی در پی داشته است.
- با انتقال فعالیت‌های اجتماعی از داخل خانه به فضای خارج از آن، خانه مکانی برای انجام فعالیت‌های شخصی مبدل شده است. این امر سبب گرایش به اتاق‌های شخصی برای افراد خانواده و تبدیل اتاق‌های چندعملکردی به فضای تک‌عملکردی شده است. این مهم، انسان امروز را هرچه بیشتر از فعالیت‌های اجتماعی در محدوده خانه دور می‌کند و او را در خانه به حال خود وامی‌گذارد.
- مشغولیت مادر در خانه‌های سنتی خانه‌داری بوده است که در دوره امروزی به صورت خانه‌داری و اشتغال در خارج خانه افزایش یافته است.
- اصلی‌ترین نتیجه در این مقاله متوجه هویت مکانی، روح خانه و چیستی آن در شهر اردبیل و راه‌های دستیابی به آن می‌باشد که برای این امر راه‌کار را در یافتن الگوی مسکن مناسب اردبیل و اردبیلی دانسته و از منظر ایجاد مکان پایدار برای خانه هویت‌مند اردبیل اندیشیده شده است. حال با مقایسه تطبیقی در این مقاله مشخص شد فضاهای خانه اردبیلی در گذر زمان دستخوش تغییراتی هم در زمینه کالبدی و هم شیوه زندگی

و استفاده از فضا بوده است. چیزی که حائز اهمیت است عدم توجه معماری امروزی اردبیلی‌ها به اصول و مفاهیم گذشته می‌باشد مفاهیمی که گاهی از روی ناآگاهی با تعاریف نامانوس دیگران جایگزین شده است. در گفت‌وگو با مردم اردبیل مشخص شد که آن‌ها نیز مشتاق استفاده از فضاهایی هستند که از گذشتگان برای آن‌ها به ارث مانده اما با اعمال تغییراتی جهت هم‌سازی این خانه‌ها با شیوه‌های زندگی امروزه.

تغییرات فرسایشی که در این مقاله به‌وضوح قابل‌رؤیت است در بعضی موارد منجر به حذف یک فضا و مفهوم آن از خانه‌ها و اذهان مردم اردبیل شده است. این در حالی است که همان مخاطبان نیازهایی را مطرح کرده‌اند که طی گذر زمان فضاهای پاسخده همان نیازها از بین رفته است و یا کم رنگ گردیده است. فضاهایی مانند دهلیز، صاندیخانا، طنبی، قوناق اوتاقی، حیاط از مواردی است که کمبود آن‌ها در زندگی مردم اردبیل احساس می‌شود. تغییرات انجام گرفته در مفاصل ارتباطی فضاها، شکل و الگوی پلان، تغییرات در موقعیت و نحوه ورود به فضا، روشنایی و عملکرد فضا و در نهایت تطبیق کالبدی خانه با شیوه زندگی مردم اردبیل حاکی از این است که کیفیت فضاها در مواردی به‌خصوص در بحث کالبد سیر نزولی داشته؛ به‌طوری‌که باعث تغییر در شیوه زندگی مردم شده است.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

- بوردیو، پیر. (۱۳۹۱). تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: انتشارات ثالث.
- حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). «خانه، فرهنگ، طبیعت»، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- راپاپورت، ایموس. (۱۳۹۱). فرهنگ، معماری و طراحی، ترجمه ماریا برزگر و مجید یوسف نیاپاشا، ساری: انتشارات شلفین.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۶۶). انسان‌شناسی مسکن، تدوین توسط افضلیان، خسرو، مشهد: آستان قدس رضوی.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

مقالات

- افشاری، محسن و پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۵). «مقیاس‌های روش زندگی در مسکن»، مسکن و محیط روستا، ۳۵(۱۵۴)، ۱۶-۳.
- بمانیان، محمدرضا؛ غلامی رستم، مریم و رحمت‌پناه، جنت. (۱۳۸۹)، عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی (نمونه موردی: خانه رسولیان یزد)، مطالعات هنر اسلامی، دوره ۷، شماره ۱۳، ۵۵-۸۸.
- پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). «فرهنگ و مسکن»، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴، ۱۸-۳.
- خان‌بازاده، ساناز؛ ارمغان، مریم و سهیلی، جمال‌الدین. (۱۳۹۹). «بررسی نقش زنان معمار در معماری معاصر ایران (۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ خورشیدی)». نشریه زن در فرهنگ و هنر، شماره ۱، ۴۹-۱۹.
- رضوی‌زاده، سیدنورالدین. (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر رسانه‌ها بر تمایل به تغییر سبک زندگی روستایی»، علوم اجتماعی، شماره ۳۱، ۱۱۴-۱۱۱.
- صادق پی، ناهید (۱۳۹۱)، «تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی»، نشریه شهر و معماری بومی، دوره ۵، شماره ۲۷، ۲۲-۴۲.
- عبدالله‌زاده، سیده مهسا و ارژمند، محمود. (۱۳۹۱). «در جست‌وجوی ویژگی‌های خانه ایرانی (بر مبنای بررسی شیوه زندگی در خانه‌های سنتی شیراز)»، فصلنامه علمی- پژوهشی شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۰، ۲۲-۱۰.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۶). «مدرنیته و مسکن (رویکرد مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، ۶۳-۲۵.

مهدوی کنی، محمدسعید. (۱۳۸۶). «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، فصلنامه تحقیقاتی فرهنگی، شماره ۱، ۲۳۰-۱۹۹.

میرشاهزاده، شروین؛ اسلامی، غلامرضا؛ عینی فر، علیرضا. (۱۳۹۰). «نقش فضای مرزی-پیوندی در فرآیند آفرینش معنا»، هویت شهر، شماره ۹، صص ۱۶-۵.

وحدت طلب، مسعود و حیدری، شهرام. (۱۳۹۸). «بازخوانی نحوه بروز زنانگی در معماری دوره تیموری با تمرکز بر مؤلفه‌های بصری (نمونه موردی: مسجد گوهرشاد مشهد)»، نشریه زن در فرهنگ و هنر، شماره ۴۴۷۹-۴۵۹.

پایان نامه‌ها

بدیعی، ناهید. (۱۳۸۱). جداره‌ها (حریم وصل)، رساله دکتری معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.

رضاخانی، ژیلا. (۱۳۹۲). مفصل در معماری، رساله دکتری معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، تهران.

منابع لاتین

Benedikter, R., Juergensmeyer M, & Anhe, H (۲۰۱۱). Lifestyle. The sage encyclopedia of global studies.

Janson SJ. (۲۰۱۱). Lifestyle Method. In S. Jansen, C. Coolen, R. Goetgeluk, The measurement and Analysis of Housing Preference and Choice, pp. ۱۷۷-۲۰۲, Dordrecht: Springer.

Lawrence R.J (۱۹۹۵), housing, Dweilillgs and homes.

Merriam-W. (۲۰۱۴). Webster Online Dic. Retrieved from www.merriam-webster.com, pp. ۱۰-۳.

Rapoport, A. (۲۰۰۳). Cultura, Arquitectura y Diseño. Barcelona: Edicions de la Universitat Politècnica de Catalunya.

Rapoport, A. (۲۰۰۵). culture, architectural and desing. chicago.

Salama Ashraf M. (۲۰۰۶). A life Style Theories Approach for Affordable Housing Research in Saudi Arabia, College of Environmental Design, King Fahad University of Petroleum and Minerals, pp. ۶۷-۷۶.

Sills DL., Merton P. (۱۹۹۱). International Encyclopedia of the Social Sciences (E.S.S), New York: Macmillan.